

تحلیل انتقادی دیدگاه مشهور درباره عدم وجوب عمره مفرده

سید مهدی احمدی نیک^۱ | سیده جمیله هاشم‌نیا^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران؛ استاد دروس خارج فقه و اصول حوزه علمیه

خراسان، مشهد، ایران. رایانامه: ahmadinik@razavi.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: hashemnia.jamile@razavi.ac.ir

چکیده

برداشت‌های متفاوت از واژه «أَتَمُّوا» در آیه شریفه ۱۹۶ سوره مبارکه بقره و نیز روایات وارده، مسئله وجوب یا استحباب عمره مفرده در صورت استطاعت برای نائیان از مکه را با دو رویکرد متفاوت در میان فقیهان و مفسران امامی روبه‌رو کرده است. مشهور، فتوا به عدم وجوب، و غیرمشهور، فتوا به وجوب داده‌اند. دو آیه در قرآن کریم وجود دارد که برداشت‌های متفاوت از آن‌ها و نیز روایات وارده سبب این اختلاف شده است که آیه مذکور یکی از آن‌هاست. پژوهش حاضر، پس از بررسی واژه «أَتَمُّوا» در قاموس‌های متقدم و متأخر، به بررسی دیدگاه‌ها و مستندات با روش توصیفی - تحلیلی پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که این واژه در آیه مذکور به معنای «برپا داشتن» است و روایات، ظهور در وجوب عمره مفرده بر مستطیع دارد. دیدگاه مشهور مبنی بر عدم وجوب عمره مفرده بر نائیان، ناظر به زمانی بوده که استطاعت عمره منفک از استطاعت حج نبوده است، اما امروزه با توجه به تفاوت هزینه‌های حج تمتع با عمره مفرده، موضوع تغییر کرده و ممکن است استطاعت انجام عمره برای فردی حاصل باشد، اما استطاعت حج نباشد. از این رو، وجوب عمره مفرده بر چنین افرادی اقوی و حداقل مقتضای احتیاط واجب است. **کلیدواژه‌ها:** تحلیل انتقادی، عمره مفرده، وجوب، استحباب، أَتَمُّوا.

مقدمه

عمره مفرده، یکی از اعمال دینی است که بسیاری از مسلمانان به‌طور سالیانه یا در دوره‌های مختلف زندگی خود به آن می‌پردازند. این عبادت، فرصتی برای تقرب به خداوند و تجربه احساسات روحانی و معنوی است. در قرآن کریم و نیز روایات متعددی به اهمیت و فضیلت حج اعم از حج اکبر که علاوه بر اعمال عمره مشتمل بر رفتن به مشاعر مقدسه و وقوف و قربانی و رمی جمرات و بیتوته در منا و اعمال مکه است و یا حج اصغر که به یک معنا عمره مفرده است اشاره شده است یکی از اسرار و حکمت‌های دعوت به حج آن است که مردم به آن دیار و وادی نور برونند تا آثار شگرف و اعجاز‌آمیز اعمال حج، مشهودشان شود و به این باور برسند که چه منافع سرشار و بهره‌های عظیمی در جهات و جوانب مختلف زندگی، از طهارت روح و تهذیب اخلاق و تنظیم امور اقتصاد و سیاست و تحکیم اساس سیادت در سطح وسیع جهانی، بر اثر اجتماع و اتحاد و طواف بر محور «الله» نصیبشان می‌شود. هم‌چنین فهم نمایند که از نظر سیر و سلوک باطنی و تقرب به عالم قدس ربوبی، چه منافع عالی‌تری عاید انسان می‌شود در حج است که نور هدایت الهی، بر دل‌های مستعد و قابل می‌تابد و آنها را از خاکدان طبیعت، بالا می‌کشد و منقطع از شواغل مادی

می‌سازد و اهلیت انس با خدا و دلبستگی به خدا، در آدمی پدید می‌آید و با بیرون آمدن از لباس معمولی و پوشیدن لباس احرام و گفتن لَبَّيْكَ و طواف بیت‌الله و سعی و وقوف در سر زمین عرفات و مشعرالحرام و رمی و انجام قربانی و بیتوته در منا و دیگر اعمال، سیر تکاملی نفس و عروج روحانی قلب را نشان می‌دهد. اصولاً گرایش به کعبه در انسان، به شرط سلامت فطرت، يَكْ گرایش عادی و معمولی نیست. این، يَكْ مجذوبیت خارق‌العاده و مستند به جعل و قرارداد الهی است، و رمزش، همان رمز گرایش و مجذوبیت مردم به اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است و نتیجه دعای حضرت ابراهیم علیه السلام که: فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ. (ابراهیم: ۳۷) و اجابت حضرت حق است. با وجود چنین اهمیتی است که وجوب یا عدم وجوب عمره مفرده علاوه بر حج برای کسانی که از استطاعت بر خوردار باشند در بین فقهای عظام همواره مورد بحث بوده و نظرات متفاوتی در این زمینه ابراز شده است. از دیدگاه برخی از فقها که مشهور هم می‌باشد، عمره مفرده به عنوان یک عمل مستحب در نظر گرفته می‌شود و بر انجام آن تأکیدی وجود ندارد. در مقابل، گروهی دیگر از فقها معتقدند که عمره مفرده بر هر مسلمانی که قادر به انجام آن باشد واجب است. این دیدگاه‌ها چنان که خواهد آمد در کتابهای فقهی مختلف ذکر شده، به نظر می‌رسد مبنای آن حاصل دریافت فقها از منطق و یا مفهوم آیات معدود و روایات متعدد و غالباً صحیح و معتبر در منابع اسلامی است اصلی‌ترین آیات مورد بحث در این زمینه آیه ۹۷ سوره آل عمران «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» و نیز آیه ۱۹۶ سوره بقره «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...» می‌باشد. یکی از مواضع مناقشه در مسئله وجوب یا عدم وجوب عمره مفرده، مفهوم لغت «أَتَمُّوا» در آیه اخیر است که به جهت ثمره فقهی آن از دیدگاه محل نزاع فقهای گرانقدر بوده است؛ زیرا اگر واژه مذکور را به معنای تمام و کامل کردن امری بدانیم، وجوب عمره از آن اثبات نمی‌شود بلکه منظور از آیه این خواهد بود که اگر عمره را آغاز کردید آنگاه آن را کامل کرده و به پایان رسانید. اما اگر معنای واژه «أَتَمُّوا» را طبق نظر برخی دیگر اقامه و ادا کردن بدانیم از این آیه وجوب عمره استفاده خواهد شد.

از این رو هدف این پژوهش، علاوه بر بیان دیدگاه برخی از فقیهان صاحب نام، واکاوی دقیق دیدگاه لغویان و مفسران در بیان معنا و مفهوم واژه «أَتَمُّوا» در آیه مذکور و بیان نحوه دلالت آن بر وجوب عمره مفرده و نیز روایات وارده است که پس از بیان دیدگاه‌های مختلف درباره وجوب یا عدم وجوب عمره مفرده بدان پرداخته می‌شود. بدین ترتیب با واکاوی فقهی، تفسیری و لغوی می‌توان در جهت تکمیل استدلال‌های فقهای عظام در تأیید یا رد وجوب عمره مفرده گامی نوین برداشت و با نگاه جامع‌تری ادعای نهایی را اثبات کرد.

پیشینه پژوهش

برخی از منابعی که بحث‌هایی را درباره وجوب عمره مفرده مطرح نموده اند عبارتند از: احکام الحج نوشته شهید سید محمدباقر صدر؛ این کتاب به بررسی جوانب مختلف فقهی و احکام حج و عمره پرداخته و دیدگاه‌های مختلف در مورد وجوب عمره مفرده را مورد بحث قرار می‌دهد. مناسک الحج و العمرة نوشته آیت الله سید علی سیستانی؛ این کتاب یکی از منابع فقهی است که به

تفصیل به بیان احکام و مسائل مربوط به حج و عمره پرداخته است. منبع دیگر در این باره، تحریر الوسیله تألیف مرحوم امام خمینی (ره) می باشد در این کتاب، امام خمینی به بیان مسائل فقهی مربوط به حج و عمره پرداخته و مسائلی را به احکام عمره مفرده اختصاص داده است.

علاوه بر اینها مقالاتی نیز در زمینه وجوب یا عدم وجوب عمره مفرده و ادله مربوط به آن نگاشته شده است؛ مانند «نگاهی به وجوب عمره همراه با حج افراد و قرآن و ...» به قلم محمد رحمانی (۱۳۷۶ش)، «العمره المفردة للآفاق ... وجوبها و عدمه» از علی فاضل الصمدی (۱۴۳۸ق) و «عمره مفرده یا مبتوله» از محمد علی مقدادی (۱۳۸۶ش). در دو مقاله نخست نویسنده بر اساس ادله، به بررسی وجوب و عدم وجوب عمره مفرده می پردازد و بیشتر جنبه گزارش اقوال و در مواردی هم استناد و تبیین است و در مقاله سوم، وجوب عمره رد و استحباب آن مورد تأیید مؤلف قرار گرفته است. چنان که مشاهده می شود در هیچ کدام به بحث و بررسی واژه اتموا و دیدگاه مفسران در کنار مستندات فقیهان با رویکرد پژوهشی، پرداخته نشده و علی رغم جستجوی گسترده در میان پژوهش های سامان یافته، اثری که به طور خاص به مفهوم شناسی واژه مذکور در آیه ۱۹۶ سوره بقره در کنار دیدگاه مفسران و فقیهان به صورت جامع و تحلیلی، به منظور بررسی وجوب یا عدم وجوب عمره مفرده پرداخته باشد مشاهده نگردید بدین ترتیب، واکاوی فقهی، تفسیری و لغوی این مسئله می تواند گامی در جهت تقویت برخی و نقد برخی دیگر از استدلال های موجود باشد و با رویکردی اجتهادی، ادعای نهایی پژوهش را استوار سازد.

از این رو پژوهش حاضر که سعی نموده با بحثی نسبتاً جامع به بررسی عمره مفرده با تحلیل انتقادی دیدگاه مشهور بین متأخران و واکاوی مستندات پردازد غیر مسبوق به سابقه و تلاشی نوآورانه در تحلیل مستندات قابل ارزیابی است.

۱. مفهوم شناسی

بدیهی است یکی از مهمترین مبانی فهم آیات قرآن، فهم معنای واژگان آن در بافت و سیاق آیات است. از این رو بازیابی معنای واژگان قرآنی در کتابهای لغت و دریافت نظرات دانشمندان و متخصصان لغت شناسی در قرآن و تحلیل و بررسی آنها می تواند منجر به کسب نتیجه ای با اتقان و اطمینان بیشتر در فهم آیات آن گشته و به نوبه خود می تواند ثمرات مختلفی از جمله ثمرات فقهی به دنبال داشته باشد. از این رو در پژوهش حاضر که در صدد بازخوانی حکم عمره مفرده با تکیه بر مفاد آیات و روایات است، تبیین واژه «اَتَمُّوا» در آیه ۱۹۶ سوره بقره می تواند به فرآیند استنباط کمک نماید. از این رو لازم است این واژه در کتابهای لغت بررسی تا ثمره فقهی آن نیز که منجر به صدور حکم وجوب عمره مفرده از سوی فقیهانی شده است، روشن گردد. بر این اساس در ادامه چکیده دیدگاه واژه نگاران حتی الامکان بدون تکرار بیان، تا پس از بررسی جداگانه، در نهایت برآیند کلی آنها ارائه گردد.

ازهری، از واژه نگاران صاحب نام در مقام توضیح و تبیین واژه «اَتَمُّوا» روایتی از پیامبر اعظم (ص) نقل می کند که فرمود: «وقتی به نماز می آید، نیاید در حالی که شتابان هستید، بلکه با آرامش بیایید. به هرمقداری که به نماز رسیدید، بخوانید و آنچه را که از دست دادید، کامل کنید» (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۸، ص ۲۵۸). بنابراین ازهری طبق روایت اخیر که آن را برای توضیح معنای واژه مذکور آورده است، «اَتَمُّوا» در این آیه به معنای «کامل کردن» می باشد.

یکی دیگر از واژه نگاران دو قول در معنای اتمام حج و عمره در آیه شریفه به این گونه نقل نموده است: الف) گفته شده اتمام آن ها (حج و عمره) به این معنی است که هزینه ها حلال باشد و از آنچه که خداوند نهی کرده است، اجتناب شود. ب) گفته شده اتمام آن ها به معنی انجام تمام اعمال مرتبط با آن ها از جمله: وقوف، طواف و غیره است (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۴۶۹). از این رو برآیند معنای واژه «اَتَمُّوا» را می توان به معنای «صحت عمل» دانست که مستلزم اولاً بهره گیری از مال حلال برای سفر حج و عمره، ثانیاً انجام همه اعمال آنها و ثالثاً اجتناب از محرمات است. نزدیک به همین معنی را حمیری یکی دیگر از واژه نگاران، در معنای «اَتَمُّوا» بیان نموده و نوشته: «وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» أي قوموا بأمرهما. (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۷۰۹). بر طبق این معنی، واژه «اَتَمُّوا» به معنای «برپا داشتن» می باشد و روشن است برپا داشتن بسیار فراتر از انجام ظاهری اعمال است؛ همان گونه که مولف تفسیر تسنیم هم به این مطلب تصریح نموده و فرموده: اقامه نماز غیر از خواندن آن است. (جوادی آملی، بی تا، ج ۲، ص ۱۶۵). برخی دیگر نیز به این مطلب اشاره نموده اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۰۹). فیومی، در معنای «اَتَمُّوا» تفصیل بیشتری ارائه کرده است. وی در توضیح معنای (تَمَّيْتُ) می گوید: به معنی کامل شدن و تکمیل شدن اجزای چیزی است مثلاً زمانی که ماه کامل می شود، تعداد روزهای آن به سی روز می رسد به آن (تَمَّ) گفته می شود. (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۷۷). براین اساس آنچه فیومی در مصباح المنیر بیان داشته، «اَتَمُّوا» به معنای کامل کردن و تکمیل شدن نهایی است و بر این اساس خداوند از بندگان خواسته که حج و عمره خود را به طور کامل انجام دهند. مرحوم طریحی، علاوه بر بیان نظرات دیگران، نظر خود را در معنای واژه مذکور چنین می گوید: «وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» أي قوموا بأمرهما والإتمام القيام بالامر. وَأَتَمَّمْتُ الشَّيْءَ: أَكْمَلْتُهُ. و منه قوله: «مَتَّيْ نُورِهِ» (۸/۶۱) أي مكمله. (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۶، ص ۲۱ و ۲۲). به نظر می رسد طریحی در بیان معنای واژه اَتَمُّوا، طریق جمع را اختیار کرده و این واژه را در آیه به معنای قیام (برپا داشتن) حج و عمره و نیز کامل کردن آن قیام، دانسته است.

بسیاری از واژه نگاران اتمام را به معنای برپا داشتن و انجام عمل همراه با همه اموری که در آنها معتبر می باشد معنا نموده اند اگر چه تعبیر متفاوت است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۲/۶۷؛ واسطی، ۱۴۱۴، ۱۶/۷۵؛ حمیری، ۱۴۲۰، ۲/۷۰۹؛ فیومی، بی تا، ۲/۷۷؛ طریحی، ۱۴۱۶، ۶/۲۲؛ واسطی، ۱۴۱۴، ۱۶/۷۵) بر این اساس در باره واژه اَتَمُّوا، اگر چه دو معنا قابل برداشت است. اول به معنای تکمیل بعدالشروع و دوم برپا داشتن، شروع و انجام عمل. اما معنای دوم شایع تر و از شهرت بیشتری برخوردار است امری که توجه به آن می تواند در استدلال به آیه و بر داشت معنای دقیق تر کمک نماید.

اینک برای روشن شدن بحث ابتدا اشاره ای به تفسیر آیه شریفه: «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» (بقره: ۱۹۶)، نموده و سپس دیدگاه فقهای عظام مورد بررسی قرار می گیرد

۲. تفسیر آیه

استدلال به آیات قرآن اولین و مهمترین روش استدلال در اثبات احکام شرعی است. برای اثبات وجوب عمره مفرده اساسا به دو آیه از قرآن کریم یعنی آیه ۱۹۶ سوره بقره و نیز آیه ۹۷ سوره آل عمران استناد می شود. در پژوهش حاضر با توجه به موضوع مورد بحث که بخشی از آن مبتنی بر برداشت وجوب و یا عدم وجوب عمره از مفاد آیه شریفه: «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» (بقره / ۱۹۶)، می باشد به تفسیر آن اشاره می شود.

صنعانی، در باره آیه «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ»، چنین روایت می کند: هما واجبتان: الحج و العمرة لله» (صنعانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۹۱) این مفسر فعل امر «أَتِمُّوا» را در این آیه حاکی از وجوب حج و عمره و لزوم اداء آن دو عمل دانسته است.

مرحوم عیاشی، در این باره چند روایت از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) روایت کرده و با تکیه بر اینها بر وجوب عمره مفرده بر مبنای تفسیر معصوم (ع) از لغت «أَتِمُّوا» تاکید نموده است. (عیاشی، ۱۳۸۰، ۱ / ۸۷)

صابونی، در ذیل آیه مذکور چنین آورده: «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ. أي أدوهما تامين بأركانهما و شروطهما لوجه الله تعالى (صابونی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۱۱۵). این مفسر «أَتِمُّوا» را در این آیه به معنای اداء کردن و به جا آوردن حج و عمره به طور کامل و با ارکان و شرایط آن دو و برای رضای خدا دانسته است.

مرحوم شیخ طوسی، در ذیل آیه شریفه چنین آورده است: در مورد اتمام حج و عمره چند نظریه وجود دارد. در ادامه دیدگاهها را آورده و سپس نظر خود را در مورد وجوب عمره آشکارا بیان کرده و چنین فرموده: «والعمرة واجبة كوجوب الحج، (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۴). در ادامه چنین آورده: معنای «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ»، اقامه و انجام حج و عمره می باشد زیرا که این دو واجب می باشند.

مرحوم امین الاسلام طبرسی هم در این باره چنین آورده: ثم بین سبحانه فرض الحج و العمرة على العباد بعد بيانه فريضة الجهاد فقال «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» أي أتموهما بمناسكهما وحدودهما وتأدية كل ما فيهما ... و العمرة واجبة عندنا. (طبرسی، ۱۴۰۸، ۲؟ ۵۱۷) خداوند وجوب حج و عمره را بر بندگان بیان نموده «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ»، به معنای انجام و اقامه حج و عمره می باشد و در ادامه می فرماید: حج و عمره در نزد امامیه واجب است.

مرحوم حویزی، در تفسیر خود به نقل از مرحوم کلینی نقل نموده که امام صادق (ع) فرمود: «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» يَغْنِي بِتَمَامِهِمَا أَدَاءَهُمَا وَ انْقَاءَ مَا يَنْتَقِي الْمُحْرِمُ فِيهِمَا. این عبارت به معنای انجام دادن مناسک حج و عمره و نیز اجتناب از مواردی است که برای شخص مُحْرِم حرام می باشد. (حویزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۱۸۳) مرحوم موسوی سبزواری، در ذیل آیه شریفه آورده: و

المراد بإتمام الحج و العمرة، إتيانهما تأمين بأجزائهما و شرائطهما بحسب ما شرعه الله عز و جل، و شرحته السنة الشريفة. (موسوی سبزواری، بی تا، ج ۳، ص ۱۵۷) آیت الله جوادی آملی در تفسیر این آیه می فرماید: دو عمل عبادی حج و عمره را برای خدای سبحان باید به جا آورد و پس از شروع به اتمام رساند و اگر مُحرم به سبب بیماری یا مانع شدن دشمن، از به پایان بردن آنها بازماند باید آنچه میسر است برای خدای متعالی قربانی کند (جوادی آملی، بی تا، ج ۱۰، ص ۲۳).

آن چه از مجموع این تفاسیر به دست می آید این است که عمره مفرده همانند حج واجب می باشد و باید هر کدام بر اساس اجزاء و شرائط مقرر انجام شود.

مرحوم علامه طباطبائی هم فرموده تمام شدن شیئی عبارت است از انضمام جزئی به سایر اجزاء که با چنین انضمامی اثر مطلوب بر آن بار می شود. (طباطبائی، ۱۳۵۲، ۲ / ۴۵) آیت الله مکارم شیرازی نیز بیان می کنند مراد از آیه شریفه وَ أَتَمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ این است که: در واقع قبل از هر چیز به سراغ انگیزه های این دو عبادت رفته و توصیه می کند که جز انگیزه الهی و قصد تقرب به ذات پاک او، چیز دیگری در کار نباید باشد، و عمل نیز به مقتضای "وَ أَتَمُّوا" از هر نظر کامل و جامع باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲ / ۴۲)

از این دو تفسیر به دست می آید که انسان باید حج و عمره را با تمام اجزاء و شرائط مقرر از جمله با انگیزه الهی و قصد قربت بجا آورد تا اثر مطلوب بر آن بار شود و از ورود به این بحث که عمره مفرده با تحقق شرائط واجب است یا نه خود داری نموده اند.

۳. دیدگاه های فقهی

ملاحظات نظری فقهی در وجوب عمره مفرده

چنان که بیان خواهد شد فقهای امامیه در مورد وجوب و عدم وجوب عمره مفرده اختلاف نموده برخی آن را همانند حج و در صورت تحقق استطاعت واجب دانسته و برخی هم حتی با وجود شرائط واجب ندانسته و تصریح نموده اند که وجوب عمره منفک از وجوب حج تمتع نمی باشد اختلاف در مورد وجوب یا عدم وجوب عمره مفرده مبتنی بر مستفاد از آیه شریفه و روایات وارده می باشد که ابتدا دیدگاه فقها به ترتیب تاریخی در این زمینه بیان و در ادامه به بررسی دلایل هر کدام خواهیم پرداخت.

۱،۳ دیدگاه اول: وجوب عمره مفرده

بسیاری از فقیهان امامی به وجوب عمره مفرده تصریح و فرموده اند در صورت انجام حج تمتع، عمره مفرده از انسان ساقط می شود در ابتدا یادآوری میشود که اگر چه برخی از دانشیان نوشته اند: شیخ مفید در کتاب خود، المقنعه، علیرغم بیان صورت حج افراد و قرآن، از وجوب عمره مفرده سخنی به میان نیاورده است. سید مرتضی نیز در کتاب جمل العلم و العمل همانند شیخ مفید عمل نموده و سخنی از وجوب عمره مفرده پس از حج قرآن و افراد به میان نمی آورد (رحمانی، ۱۳۷۶، ص ۵۲). از این گفته چنین بر می آید که مرحوم سیدمرتضی (ره) همانند مرحوم شیخ مفید قائل به وجوب عمره مفرده نبوده است اما باید توجه داشت که در ارتباط با وجوب عمره مفرده شاید اولین فقیهی که بحث وجوب عمره مفرده را طرح کرده، مرحوم سیدمرتضی علم الهدی است دیدگاه ایشان در این باره چنین است: حج در تمام مدتِ عمر، يك بار واجب است. همچنین عمره مفرده بر هر انسانی يك

مرتبه واجب است. (سیدمرتضی، ۱۴۰۵، ۶۳) با دقت در عبارت مرحوم سیدمرتضی روشن می شود که ایشان وجوب عمره مفرده را بر هر انسانی یک مرتبه در عمر همانند حج واجب دانسته اما این که انجام حج تمتع مجزی از عمره مفرده می باشد بحث دیگری است که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت و نمی توان گفت اگر فردی برای عمره مفرده مستطیع شد ولی برای حج تمتع استطاعت نداشت عمره مفرده بر او واجب نمی باشد

مرحوم شیخ طوسی، فقیه و متکلم شیعی که به عنوان بنیانگذار اجتهاد شیعه و صاحب دو کتاب حدیثی معتبر از کتب اربعه حدیثی شیعه شناخته می شود در بحث مذکور معتقد است که عمره مانند حج واجب است: «العمره فريضة مثل الحج» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۶۲؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۰۴). و در جایی دیگر بر وجوب، تاکید نموده است و فرموده عمره مفرده همانند حج واجب است و شرائط آن همانند شرائط حج است و در صورت انجام حج تمتع عمره ساقط می شود. (طوسی، ۱۳۷۵، ۳۱۰) همو در جایی دیگر ضمن تاکید بر وجوب عمره همانند حج به اقوال بسیاری دیگر مبنی بر وجوب اشاره نموده و چنین نگاشته: «العمره فريضة مثل الحج». و به قال الشافعي. و به قال ابن عمر، و ابن عباس، و سائر الصحابة، و ... دليلاً: قوله تعالى «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» «البقرة: ۱۹۶». و الإتمام لا يتم إلا بالدخول، فوجب الدخول أيضاً. و روي عن ابن مسعود أنه قرأ: و أقيموا الحج و العمره لله «(۴)». و أيضاً فإن الله تعالى قرن العمره بالحج في قوله «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» «(۵)» بلفظ واحد، فإذا كان الحج واجباً فالعمره مثله. و أيضاً عليه إجماع الفرقة. و أيضاً فإذا أتممت برئت ذمته بلا خلاف، و إذا لم يعتمر لم تبرأ ذمته بيقين، فالاحتياط يقتضي فعلها. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴-۲۶۳) در این عبارت مرحوم شیخ طوسی به صراحت از وجوب عمره مفرده سخن به میان آورده و فرموده این وجوب از آیه شریفه «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» قابل بر داشت است چنان که وجوب حج از آیه بر داشت می شود و در استدلال برای این استنباط فرموده: حج و عمره همراه با هم در آیه ذکر شده و اگر به موجب آیه گفتیم حج واجب می باشد پس عمره نیز همانند حج واجب است و این این مطلب اجماعی است.

مرحوم محقق حلی (ره) عمره مفرده را واجب دانسته و فرموده در صورت انجام حج تمتع عمره مفرده از اوساقط می شود. (حلی، ۱۴۱۲، ۱ / ۵۵۳) همچنین فرموده: الثاني في شرائط وجوبها و شرائط وجوبها شرائط وجوب الحج و مع شرائط تجب في العمر مرة. (حلی، ۱۴۰۸، ۱ / ۲۷۴)، مرحوم علامه حلی، نیز که از فقهای بزرگ امامیه است همچون مرحوم شیخ طوسی معتقد به وجوب عمره همانند حج است و در منتهی المطلب چنین آورده است: «العمره فريضة مثل الحج، ذهب إليه علماؤنا أجمع». (حلی، ج ۱، ص ۱۷). عمره مفرده همانند حج در نزد علمای امامیه واجب می باشد و کسانی که آن را غیر واجب و نافله یا مستحب دانسته اند را «اصحاب رأی» عنوان داده است که منظور ایشان گروهی از فقیهان است که به جای اتکا به نصوص دینی (مانند قرآن و حدیث)، بیشتر به اجتهاد و نظر شخصی خود متکی بودند. مرحوم ابن ادریس حلی، عمره را همانند حج واجب دانسته و به صراحت نوشته: «العمره فريضة مثل الحج، لا يجوز تركها، و من تمتع بالعمره إلى الحج، سقط عنه فرضها». (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۱ / ۶۳۳) ابن براج نیز عمره را همانند حج واجب دانسته و چنین نوشته: «العمره واجبة كالحج، ... و هي على ضربين،

عمره متمتع بها الى الحج، و الآخر عمره مفردة منه. (ابن براج، ۱۴۰۶، ۱ / ۲۱۱؛ و نیز بنگرید: ابن حمزه، ۱۴۰۸، ۱۵۷) عمره همانند حج واجب است و بر دو قسم است عمره تمتع و عمره مفردة.

مرحوم صاحب جواهر عمره مفردة را همانند حج تمتع واجب دانسته و ادعای اجماع محصل و منقول برآن نموده (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۴ / ۴۴۳). مرحوم محقق اردبیلی نیز واجب دانسته و معتقد است کسی که حج تمتع انجام داده عمره مفردة واجب نمی باشد و دلیلش را اجماع دانسته و چنین نگاشته: دلیل الإجماع المفهوم من المنتهی. (اردبیلی، ۱۴۰۳، ۷ / ۳۸۷) برخی از محققان معاصر نیز نوشته اند که منسوب به فقهای امامیه آن است که عمره همانند حج واجب است اگر چه فقهای عامه در باره وجوب و عدم وجوب اختلاف نموده اند. (سیستانی، ۱۴۳۷، ۹ / ۴۷) چنان که ملاحظه می شود این دسته از فقیهان عمره را به دو قسم عمره تمتع و عمره مفردة تقسیم و بر آنند که عمره مفردة همانند حج با وجود شرائط بر انسان واجب اما کسی که حج انجام داده باشد عمره مفردة از او ساقط می شود.

۲،۳. دیدگاه دوم: عدم وجوب عمره مفردة

در برابر قول اول برخی از فقها بر آنند: کسی که وظیفه اش حج تمتع است و لو مستطیع برای عمره مفردة باشد، عمره مفردة بر او واجب نمی باشد. از این دسته هستند فقیهانی چند از جمله: مرحوم محقق یزدی، قائل به عدم وجوب عمره مفردة بر کسی که وظیفه اش حج تمتع است بوده و تصریح نموده که و لو مستطیع برای عمره باشد دون الحج، عمره مفردة بر او واجب نمی باشد و این قول را اقوی دانسته اند ولی با این حال در پایان فرموده اند احوط اتیان به عمره مفردة است که البته مرادشان از این احوط، احتیاط مستحبی است چون بعد از فتوی بیان نموده اما چند نفر از بزرگان مانند مرحوم آیت الله گلپایگانی، آیت الله بروجردی با مرحوم محقق یزدی، مخالفت نموده و فرموده اند: احتیاط واجب در اتیان به عمره مفردة است. (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۹، ۴ / ۵۹۸) همچنین مرحوم آیت الله خوئی اگر چه در ابتدا قائل به وجوب عمره مفردة شده و در این باره نوشته اند: و أمّا حکمها فإنه كما يجب الحج على كل مكلف مستطيع مرة واحدة كذلك العمرة تجب على كل أحد أيضاً. و قد استدلل علی وجوبها بالكتاب و السنة. أمّا الكتاب فقوله تعالى وَ لِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ لشموله للحج و العمرة. (خویی، ۱۴۱۸، ۲۷ / ۱۳۳) اما در ادامه تصریح می کنند که مشهور آن است که اگر برای عمره مستطیع باشد و برای حج مستطیع نباشد عمره مفردة واجب نمی باشد و رای مشهور صحیح می باشد ۱ (خویی، ۱۴۱۸، ۲۷ / ۱۳۴)

۱. وقع الكلام في أنه هل تجب العمرة المفردة فقط على من وظيفته حج التمتع إذا استطاع للمفردة و لم يكن مستطيعاً للحج، فلو استطاع في شهر رجب مثلاً للعمرة و لم يكن مستطيعاً لحج التمتع فهل تجب عليه العمرة؟ أو من كان أجيراً و بعد الفراغ عن أعماله هل تجب عليه العمرة لتمكنه منها حينئذ أم لا؟. المشهور عدم الوجوب بل أرسله بعضهم إرسال المسلمين و هو الصحيح. (خویی، ۱۴۱۸، ۲۷ / ۱۳۴)

از فقیهان معاصر، مرحوم امام خمینی نیز و برخی دیگر می‌فرمایند: کسی که وظیفه‌اش حج تمتع است مثل اشخاصی که از مکه شازنده فرسنگ شرعی دور باشند، اگر استطاعت برای عمره داشته باشند و برای حج نداشته باشند، عمره مفرده بر آنها واجب نیست مثل اشخاصی که به نیابت، حج می‌کنند، گرچه احتیاط آن است که به‌جا آورد. (امام خمینی، ۱۳۹۳، ۱۳۶؛ امام خمینی، ۱۳۹۱، ۱۱) هر دو مناسک با حواشی مراجع معظم تقلید بیش از ده مرجع تدوین شده که به جز دونفر کسی بر این فتوی حاشیه‌ای ندارد که معنایش عدم اختلاف دیدگاه در این باره است فقط از بین معاصران دو نفر (آیت الله مکارم شیرازی و موسوی اردبیلی) در ذیل فتوای مرحوم امام خمینی، فتوی به احتیاط واجب داده‌اند. (امام خمینی، ۱۳۹۳، ۱۳۶) مقام معظم رهبری هم بر این باورند که اگر چه عمره مفرده واجب است همانند حج به طوری که اگر استطاعت برای انجام عمره را داشته باشد و برای حج را نداشته باشد عمره بر او واجب است و بالعکس اما وظیفه نائیان از مکه، حج تمتع است زیرا برای اینان استطاعت برای عمره منفک از استطاعت برای حج نمی‌باشد (خامنه‌ای، ۱۴۲۶، ۳۹) برخی هم به این مطلب تصریح نموده‌اند که برکسی که وظیفه اش حج تمتع است و لو مستطیع برای عمره باشد و برای حج مستطیع نباشد عمره واجب نمی‌باشد. (خوئی، ۱۴۱۱، ۵۵؛ فیاض، ۱۴۱۸، ۶۸؛ تبریزی، ۱۴۱۵، ۵۶) اما در این رابطه می‌شود گفت از آنجا که در روایات بر عمره نیز حج اطلاق شده و آیه هم حج را واجب دانسته و جهی برای قول مشهور (البته شهرت غیر قدمائی است) مبنی بر اختصاص آیه، به حج دون العمره نمی‌باشد.

از بررسی عبارات فقها، چند مطلب قابل استفاده است که عبارتند از:

اولاً: وجوب عمره مفرده از زمان مرحوم سیدمرتضی علم‌الهدی مطرح بوده که بیان شد

ثانیاً: اگر چه فقها کلمه «عمره» را مطلق آورده‌اند و مقید به «مفرده» نکرده‌اند اما بدون تردید مقصودشان از عمره مطلق، عمره مفرده است؛ زیرا حکم «عمره تمتع»، تابع حکم «حج تمتع» است و حکم مستقلی ندارد. دست کم قدر متیقن آن عمره مفرده است. از این رو هر جا بر عنوان «عمره» حکمی بار شود، قدر متیقن از آن عمره مفرده است. و این ادعا را روایات وارده که بیان خواهد شد تأیید می‌نماید.

ثالثاً: چنان که گذشت بسیاری از فقها بر وجوب عمره تصریح کرده‌اند و برخی از آنان مانند مرحوم شیخ طوسی و مرحوم محقق حلی فرموده‌اند که: «عمره تمتع مجزی از وجوب عمره مفرده است.»

از این عبارت استفاده می‌شود که عمره مفرده بر همه، حتی کسانی که دور از مکه‌اند واجب است، ولیکن عمره تمتع مجزی از آن است، در غیر این صورت اجزای عمره تمتع که وظیفه اشخاص دور از مکه است، معنا نخواهد داشت.

بنابراین، برخی از فقهای معاصر یا با تصریح و یا به اشاره وجوب عمره مفرده را بیان کرده‌اند اگر چه مشهور در میان معاصران عدم وجوب عمره مفرده می‌باشد.

قبل از بیان استدلال لازم به یاد آوری است که برخی در باره عمره نوشته اند

عمره همانند حج تقسیم می شود به واجب اصلی، عرضی و مندوب و واجب اصلی عمره ای است که واجب شده به اصل شرع با شرائط مقررہ. (حکیم، ۱۴۱۶، ۴۵۹؛ سیستانی، ۱۴۳۷، ۹ / ۴۰)

همچنین عمره موضوع احکام پنجگانه وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه قرار می گیرد گاهی عمره واجب است به گونه وجوب اصلی بنابر نظریه کسانی که عمره مفرده را مستقلاً واجب می دانند؛ مانند شخصی که نسبت به عمره استطاعت دارد ولی نسبت به حج استطاعت ندارد. و نیز مانند وجوب عمره بر اشخاص نزدیک مکّه (حاضری المسجد الحرام) هستند. وجوب به گونه وجوب عرضی؛ مانند این که شخصی اجیر گردد برای انجام عمره و یا با نذر عمره را واجب کند. گاهی عمره مستحب است؛ مانند عمره مفرده پس از انجام حج واجب. عمره نه واجب است و نه مستحب، بلکه نامشروع (حرام علی قول) و یا مکروه است (علی قول آخر)؛ مانند عمره مفرده میان عمره تمتع و حج تمتع و مانند عمره مفرده ای که بدون فاصله زمانی لازم میان دو عمره گزارده شود بنا به فتوای فقیهانی که فاصله را شرط می دانند

۴. مستندات

۱،۴. مستندات دیدگاه اول

۱،۱،۴. مستندات قرآنی

آیه اول: **وَ لِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ** (آل عمران / ۹۷)

برای وجوب عمره مفرده می توان به آیه شریفه فوق استدلال نمود چنان که برخی از فقهای عظام نیز استدلال نموده اند. و گفته اند: این آیه شامل حج و عمره می شود. زیرا مقصود از «حج البیت» زیارت خانه و قصد و آهنگ آنجاست و این شامل حج و عمره می شود، چرا که هر یک از آنها زیارت و قصد خانه خداست که مشتمل بر طواف کعبه است. (خویی، ۱۴۱۸، ۲۷ / ۱۳۳) برخی در ارتباط با استدلال به آیه شریفه نوشته اند: ممکن است گفته شود که حج نام برای مناسک مخصوصه است پس انصراف به حج در زمان مخصوص دارد و شامل عمره نمی شود در پاسخ باید عرض کنیم اگر چه کلمه حج، در مناسک خاص استعمال می شود؛ ولی این به آن معنا نیست که به عمره نیز، حج اطلاق نشود، چه اینکه در روایات متعددی بر عمره نیز حج اطلاق شده است. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۴ / ۲۹۸ ح ۱۱، ۱۲، ۱۳) پس استدلال به آیه برای اثبات عمره مفرده تمام و بدون اشکال است. ایشان با وجود بیان این استدلال در ادامه تصریح می کنند که مشهور آن است که حتی اگر برای عمره مستطیع باشد و برای حج مستطیع نباشد باز هم عمره مفرده واجب نمی باشد و رای مشهور صحیح می باشد. (خویی، ۱۴۱۸، ۲۷ / ۱۳۴) اما در این رابطه می شود گفت چنان که بیان شد از آنجا که در روایات بر عمره نیز حج اطلاق شده (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۴ / ۲۹۸ ح ۱۱، ۱۲، ۱۳) و آیه هم حج را واجب دانسته است وجهی برای قول مشهور مبنی بر اختصاص آیه به حج دون العمره به نظر نمی رسد. البته

برخی از محققان معاصر در استدلال به آیه اشکال نموده اما در نهایت به استناد روایت عمر بن اذینه که در ادامه بیان خواهد شد استدلال به آیه را برای وجوب عمره مفرده می پذیرد. (سیستانی، ۱۴۳۷، ۹ / ۵۴-۴۸)

آیه دوم: وَ أَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ. (بقره: ۱۹۶)

این آیه شریفه دلالت دارد بر وجوب اتمام حج و عمره و از آنجا که اتمام لا یتحقق الا بالشروع فیه پس دلالت بر وجوب اتیان به هر دو هم حج و هم عمره دارد و وجهی ندارد که بگوییم مراد از آیه شریفه حج تمتع است که همراه با عمره تمتع است زیرا که اصولاً حج تمتع جدای از عمره نمی باشد بلکه کلمه حج شامل اعمال پنجگانه عمره تمتع و اعمال حج تمتع مانند احرام در مکه، وقوف در عرفات و مشعر، رمی جمل، قربانی، حلق و یا تقصیر، بیتوته در منا و غیر آن می شود. همچنان که برخی از مفسران حج را سه قسم تمتع و افراد و قرآن و دارای واجباتی دانسته و عمره را عمل دیگری دارای واجبات مخصوص به خود دانسته اند. (طباطبایی، ۱۳۵۲، ۲ / ۷۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲ / ۴۹) همچنین برخی از فقهاء در استدلال به آیه چنین گفته اند:

امر دلالت بر وجوب دارد و از طرفی عمره با او بر حج عطف شده است که مقتضی تساوی آن دو در وجوب است. ابن عباس گفته است: «عمره» در قرآن، قرین «حج» است. (حلی، علامه، ۱۴۱۲، ۱۰ / ۱۸)

مرحوم شیخ طوسی (ره) در استدلال به آیه فرموده اتمام حج و عمره امکان ندارد مگر بعد از شروع برای انجام پس وجوب اتمام، ملازمه دارد با وجوب اتیان عمل و از علی (علیه السلام) و عمر روایت شده که اتمام عمره به این است که از درب خانه ات محرم شوی. (طوسی، ۱۴۷، ۲ / ۲۶۳) برخی از محققان معاصر در استدلال به آیه شریفه بیان نموده اند که مفاد آیه آن است که کسی که عمره و یا حج را شروع نمود باید تمام نماید اما روایاتی وجود دارد که ظاهرشان این است که آیه دلالت بر وجوب انجام حج و عمره دارد و در پایان هم وجوب عمره مفرده را نتیجه گرفته است. (سیستانی، ۱۴۳۷، ۹ / ۵۵؛ ۵۹) روایات در ادامه بیان شده است.

از این رو آیه شریفه دلالت بر وجوب عمره البته عند الاستطاعه دارد به ویژه امروزه که استطاعت عمره کاملاً متفاوت از استطاعت حج است و ممکن است کسی استطاعت برای عمره داشته باشد اما استطاعت برای حج نداشته باشد. مرحوم شیخ حر عاملی در وسائل روایات زیادی را ناظر به تفسیر دو آیه فوق مبنی بر وجوب عمره مفرده آورده و عنوان باب را (بَابُ وَجُوبِهَا عَلَى الْمُسْتَطِيعِ) قرار داده که به گونه ای اشاره دارد و یا مشعر به این است که مفاد روایات، وجوب عمره مفرده است. (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۴ / ۲۵۹) برخی از این روایات در مستندات روایی بیان خواهد شد.

۲، ۱، ۴. مستندات روایی

لازم به یادآوری است که از بین روایات نسبتاً فراوان چند روایت صحیحه را که صریح در وجوب عمره مفرده می باشند را می آوریم.

در روایتی که سنداً صحیح است^۱ عمر بن اذینه نقل می نماید: نامه ای به امام صادق علیه السلام نوشتم و سئوالاتی را مطرح برخی را به واسطه ابن بکیر و برخی را به واسطه ابوالعباس برای امام صادق علیه السلام فرستادم ایشان هم با خط خود در پاسخ نوشته بودند: از قول خدای متعال که فرموده: (وَ لِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ - حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا) سئوال نموده ای که مراد چیست؟ مراد حج و عمره، هر دو است زیرا آن دو واجبتاً همچنین سئوال نموده ای که مراد از قول خدای متعال که فرموده: وَ اَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلّٰهِ، چیست؟ مراد به اتمام حج و عمره انجام حج و عمره و پرهیز از محرمات احرام، در حال انجام حج و عمره می باشد و نیز سئوال نموده ای که مراد از الحج الاکبر، چیست؟ مراد از حج اکبر حجبی است که مشتمل بر وقوف در عرفه و رمی جمرات باشد و مراد از حج اصغر عمره می باشد.

در روایتی صحیح^۲ معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام این گونه نقل نموده است که امام فرمودند: عمره بر کسی که استطاعت دارد واجب و به منزله حج است به دلیل قول خدای متعال که فرموده: وَ اَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلّٰهِ، و عمره در مدینه تشریع شد در ادامه معاویه بن عمار می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم کسی که حج تمتع را بجا آورده و در نتیجه عمره تمتع را انجام داده مکفی و مجزی از عمره مفرده هست یا نه؟ امام صادق علیه السلام فرمود آری، مجزی است.

در روایت صحیح^۳ دیگری^۳ امام صادق علیه السلام در ارتباط با معنای: وَ اَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلّٰهِ، فرمودند این دو واجبتاً

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع بِمَسَائِلَ - بَعْضُهَا مَعَ ابْنِ بُكَيْرٍ وَ بَعْضُهَا مَعَ أَبِي الْعَبَّاسِ - فَجَاءَ الْجَوَابُ بِإِمْلَائِهِ - سَأَلْتُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ - حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا «۵» - يَعْنِي بِهِ الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ جَمِيعًا لِأَنَّهُمَا مَقْرُوضَانِ - وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلّٰهِ «۱» - قَالَ يَعْنِي بِتَمَامِهِمَا أَدَاءَهُمَا - وَ اتِّقَاءَ مَا يَنْتَقِي الْمُحْرَمُ فِيهِمَا - وَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَى الْحَجُّ الْأَكْبَرُ «۲» - مَا يَعْنِي بِالْحَجِّ الْأَكْبَرِ - فَقَالَ الْحَجُّ الْأَكْبَرُ الْوُقُوفُ بِعَرَفَةَ وَ رَمْيُ الْجِمَارِ - وَ الْحَجُّ الْأَصْغَرُ الْعُمْرَةُ. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۱ / ۸)

۲. مُعَاوِيَةُ بْنُ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْعُمْرَةُ وَاجِبَةٌ عَلَى الْخَلْقِ بِمَنْزِلَةِ الْحَجِّ عَلَى مَنْ اسْتَطَاعَ - لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ وَ اَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلّٰهِ وَ إِنَّمَا أُتْرِلَتِ الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَةِ - قَالَ قُلْتُ: لَهُ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ أُيْجَزِي ذَلِكَ عَنْهُ قَالَ نَعَمْ. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۱ / ۹)

۳. مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَصَّالَةَ عَنْ أَبَانَ عَنِ الْفَصْلِ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اَتِمُّوا الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ لِلّٰهِ «۳» - قَالَ هُمَا مَقْرُوضَانِ. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۴ / ۲۹۵)

در روایت صحیحہ دیگری^۱، زرارہ از قول امام باقر علیہ السلام نقل نموده که امام فرمودند: عمره بر مردم واجب است همچنان که حج واجب است زیرا که خداوند فرموده وَ اتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ و این آیه در مدینه نازل شده است.

روایت صحیحہ ای را مفضل بن صالح^۲ از قول امام صادق علیہ السلام نقل نموده که امام فرمودند: عمره همانند حج واجب است.

روایت صحیحہ دیگری را^۳ ابن ابی عمیر که از اصحاب اجماع است به واسطه معاویہ بن عمار از امام صادق علیہ السلام سؤال نموده که آیا کسی که حج تمتع بجا آورد این حجت مجزی از عمره می باشد؟ امام فرمودند: آری.

روایت صحیحہ دیگری را عمر بن اذینه از امام صادق علیہ السلام نقل می نماید^۴ که سؤال نمودم از معنای قول خدای متعال که می فرماید: وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا، آیا مراد تنها حج است و نه عمره؟ امام فرمود: خیر بلکه مراد حج و عمره است زیرا که هر دو واجب است.

۱. وَ يَسْتَأْذِنُهُ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي حَدِيثٍ قَالَ: الْعُمْرَةُ وَاجِبَةٌ عَلَى الْخَلْقِ بِمَنْزِلَةِ الْحَجِّ - لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ وَ اتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ «(۵)» - وَ إِنَّمَا نَزَلَتِ الْعُمْرَةُ بِالْمَدِينَةِ. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۴ / ۲۹۵)

۲. وَ يَسْتَأْذِنُهُ عَنْ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْعُمْرَةُ مَقْرُوضَةٌ مِثْلُ الْحَجِّ الْحَدِيثِ. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۴ / ۲۹۶)

۳. وَ رَوَاهُ الْكُلَيْنِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع مِثْلَهُ وَ زَادَ قُلْتُ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ أُجْزِيَ عَنْهُ قَالَ نَعَمْ. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۴ / ۲۹۶)

۴. وَ فِي الْعِلَالِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدْنَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا «(۲)» - يَعْنِي بِهِ الْحَجَّ دُونَ الْعُمْرَةِ قَالَ لَا وَ لَكِنَّهُ يَعْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ جَمِيعًا لِأَنَّهُمَا مَقْرُوضَانِ. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۴ / ۲۹۷)

روایت صحیحہ دیگر را چندین راوی مانند ابن ابی عمیر، حماد، صفوان بن یحیی و فضالة بن ایوب از معاویة بن عمار نقل می کنند^۱ که او از امام صادق علیه السلام این گونه نقل می نماید: عمره همانند حج بر مردم واجب است البته برای کسی که مستطیع باشد زیرا که خداوند می فرماید: **وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ**. همچنین صحیحة فضل ابی عباس از امام صادق (ع) است که حضرت در باره آیه شریفه **«وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ»** فرمود: **هُمَا مَفْرُوضَانِ** (طوسی، ۱۴۰۷، ۵: ۴۳۳). اگر چه گفته می شود شاید مرحوم شیخ طوسی اولین فقیهی می باشد که بر وجوب عمره تصریح کرده است اما در قبل بیان شد که این حرف درستی نیست بلکه مرحوم سید مرتضی قبل از او به وجوب عمره مفردة تصریح نموده است.

۳،۱،۴. اجماع محصل و منقول

علاوه بر آن چه بیان شد برخی از فقهای امامیه بر وجوب عمره ادعای اجماع محصل و منقول را مطرح نموده اند. (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۰ / ۴۴۱) اما با توجه به این که در این باره دلیل قرآنی و روایی داریم این اجماع مدرکی و یا محتمل المدرک است و چنین اجماعی حجت نمی باشد.

۲،۴. مستندات دیدگاه دوم

لازم به ذکر است که باورمندان به عدم وجوب عمره مفردة بر عدم وجوب چنین استدلال نموده اند:

۱،۲،۴. ارتباط عمره با حج

از یکسو عمره بر دو قسم است عمره تمتع و عمره مفردة، و از سوی دیگر ارتباط و داخل بودن عمره تمتع در حج تمتع است در این صورت زمانی عمره واجب است که حج نیز واجب باشد و از سوی دیگر نه در آیه و نه هم در روایتی بیان نشده که عمره مفردة، واجب می باشد بنا بر این اطلاقی نداریم که عمره مفردة را واجب نماید بر این اساس، نمی توان با اطلاق روایات وجوب عمره مفردة را اثبات نمود. و در صورت پذیرش اطلاق این اطلاق مقید شده به روایاتی که دال بر ارتباط عمره با حج می باشند. (حر عاملی، ۱۱ / ۲۴۰) و به بیانی دیگر بر فرض که اطلاق را نسبت به عمره بپذیریم باید به وسیله ادله ای که دلالت دارند بر این

۱. **وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَحَمَادٍ وَصَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى وَفَضْلَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْعُمْرَةُ وَاجِبَةٌ عَلَى الْخَلْقِ بِمَنْزِلَةِ الْحَجِّ - عَلَى مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ وَاتَّمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۴ / ۲۹۷)**

که عمره مرتبط با حج می باشد دست از این اطلاق بر داریم و معنای این حرف آن است که عمره بنفسها واجب نمی باشد. و عمره ای واجب است که مرتبط با حج باشد و از این فقط غیر نائی یعنی کسی که حاضری المسجد الحرام و مکی باشد خارج شده پس نائی باقی می ماند تحت اطلاق ادله ای که دلالت دارد بر این که عمره مرتبط با حج است و مراد از چنین عمره ای، عمره تمتع است پس عمره مفرده بر نائی واجب نمی باشد. و مستفاد از ادله، وجوب عمره است علی الاجمال.

۲،۲،۴. اصالة البراءة

همچنین در استدلال بر عدم وجوب گفته شده که اگر اطلاق نبود یا مجمل بود ما شک در وجوب عمره مفرده داریم و عند الشک فی الوجوب اصل برائت جاری می شود و نتیجه اصل برائت هم عدم وجوب است.

۳،۲،۴. سیره متشرعه

و علاوه بر اینها سیره مستمره هم قائم است بر عدم اتیان عمره مفرده از سوی نائی و حتی اتیان به عمره مفرده از سوی نایبان برای حج تمتع نیز متعارف نمی باشد. (خونی، ۱۴۱۶، ۲ / ۱۷۵-۱۷۱) در نتیجه معنای آن عدم وجوب عمره مفرده است.

۴،۲،۴. نقد و بررسی

این استدلال از سوی برخی از محققین مورد مناقشه قرار گرفته است و در رد این استدلال گفته شده: این استدلال از دو جهت مخدوش است اولاً زمانی می توان ادعای عدم اطلاق و اجمال را مطرح نمود که لفظ عمره مشترک لفظی باشد بین مفرده و تمتع و اگر در دلیلی امر به عمره وارد شد باید قرینه ای بر تعیین باشد و اگر نباشد کلام مجمل می شود. و ثانیاً لفظ عمره اگر چه اسمی است برای جامع بین عمره مفرده و عمره تمتع اما نصوص وارد شده در باره وجوب عمره فقط در مقام افاده اصل وجوب است فی الجملة. و مقتضای اطلاق ادله داله بر وجوب عمره این است که طبیعی عمره واجب است نهائیت از ادله دیگری به دست می آید که عمره مفرده بر فرد نائی که استطاعت برای حج تمتع دارد یا انجام داده ساقط است. (سیستانی، ۱۴۳۷، ۹ / ۷۰-۶۴) و این نمی تواند وجوب عمره مفرده بر کسی که استطاعت برای عمره دارد و برای حج ندارد را نفی نماید. به بیانی دیگر در ارتباط با این دلیل باید گفت بدون شک عمره تمتع مرتبط با حج تمتع است و هیچگاه به طور مستقل واجب نمی باشد اما دلیلی بر ارتباط عمره مفرده با حج تمتع نداریم چنان که صاحب جواهر الکلام به این مطلب تصریح نموده. (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۰ / ۴۴۳). پس این بیان نمی تواند عدم وجوب عمره مفرده را اثبات نماید. هذا اولاً

و ثانیاً بر فرض پذیریم که روایات دال بر ارتباط، شامل عمره مفرده هم می شود معنای دخلت العمره فی الحج، با نظر به اجزاء است یعنی عمره تمتع در حج تمتع همواره مجزی از عمره مفرده است.

و ثالثاً لازمه این استدلال آن است که اصولاً عمره مفرده که به طور مستقل انجام می شود اصلاً برای نائی مشروع نباشد و حال آن که لم یقل به احد.

اما استدلال به اصل براءت نیز زمانی صحیح است که ما دلیل نداشته باشیم و ما در قبل دلیل آوردیم و اثبات نمودیم وجوب عمره مفرده را

اما تمسک به سیره، علاوه بر این که برای اثبات چنین سیره‌ای دلیلی اقامه نشده است. بلکه می توان سیره را بر خلاف آن ثابت دانست زیرا بسیاری از نایبانی که خود استطاعت برای حج ندارند بعد از اعمال غالباً عمره مفرده‌ای را برای خود انجام می دهند و لو سلمنا که چنین سیره‌ای وجود دارد سیره در شرائطی بوده است که استطاعت برای حج منفک از استطاعت عمره نبوده اما امروزه که ممکن است فردی برای عمره مستطیع باشد و برای حج مستطیع نباشد قابل تمسک نمی باشد زیرا اصولاً موضوع تغییر نموده و با تغییر موضوع روشن است که حکم نیز تغییر می نماید.

۵. رجوع به عام فوقانی یا اصول عملیه

در پایان بیان یک نکته مفید به نظر می رسد و آن این که اگر چه حسب ادله بیان شده، وجوب عمره مفرده جای تردید ندارد اما با این وجود، با توجه به برخی از اشکالات اگر فردی شک نماید که عمره مفرده واجب است یا نه؟ وظیفه چیست؟ رجوع به عام فوقانی یا اصول عملیه (براءت)؟

پاسخ به این پرسش آن است که در چنین موردی نمی توان به اصل براءت تمسک نمود بلکه باید به عام فوقانی مراجعه نمود چنان که برخی از فقیهان معاصر بعد از بیان استدلال بر این که روایات، عمره تمتع را بر نائی واجب نموده و نه مفرده را، در این استدلال این گونه مناقشه نموده که از یک سو ادله ای که دلالت بر وجوب عمره تمتع بر نائی می نماید، قطعاً ناظر به کسی است که مستطیع برای حج باشد نه غیر مستطیع، چه این که اتیان به عمره تمتع ممکن نیست مگر در ضمن حج تمتع و این ادله بر وجوب عمره تمتع بر نائی مستطیع برای حج، تخصیص بردار هم نمی باشد. از سوی دیگر اطلاعات داله بر وجوب عمره مفرده هم نسخ نشده زیرا ادله داله بر عمره مفرده، دلالت بر وجوب طبعی عمره دارد که هم شامل عمره مفرده و هم عمره تمتع می شود بنا بر این، برای کسی که برای انجام عمره مفرده استطاعت دارد ولی برای عمره تمتع در قالب حج تمتع استطاعت ندارد، ما نمی دانیم به کدام یک از ادله مراجعه نماییم؟ در این صورت عموم فوقانی دال بر وجوب عمره به حال خود باقی است. (سند. ۱۴۲۶، ۲ / ۱۱۳) نهایت برای فرد نائی که استطاعت برای حج تمتع دارد صحیح نیست که حج تمتع و در نتیجه عمره تمتع را رها نموده، اتیان به عمره مفرده نماید. اما برای غیر مستطیع برای حج تمتع و مستطیع برای عمره مفرده، مرجع عموم فوقانی است و معنای این حرف آن است که عمره مفرده، بر کسی که استطاعت برای آن را دارد اما استطاعت برای حج را ندارد، به استناد عمومات و اطلاعات وارده واجب می باشد. برای توضیح عموم فوقانی رجوع شود: (صدر، ۱۴۱۷، ۶، ۶۸۲-۶۷۷؛ آل فقیه، بی تا، ۱ / ۷۰۳) در پایان لازم به یادآوری است که روایات دال بر اجزاء حج تمتع از عمره مفرده، نه تنها وجوب عمره مفرده را نفی نمی کنند بلکه

یا ظهور دارند و یا مشعر به این هستند که عمره مفرده واجب می‌باشد. در غیر این صورت حج تمتع که واجب و مجزی از عمره مفرده است نمی‌تواند و بلکه معنی ندارد که مجزی از عمره مفرده‌ای باشد که واجب نیست.

اما از حیث اصول عملیه نیز اگر چه چنان که گذشت برخی از فقهای معاصر برای اثبات عدم وجوب عمره مفرده به اصالة البرائة تمسک نموده‌اند. اما بیان شد که اصل برائت زمانی صحیح است که ما دلیل نداشته باشیم؛ چه این که الاصل دلیل حیث لا دلیل و ما دلیل آوردیم و اثبات نمودیم وجوب عمره مفرده را در نتیجه جایی برای تمسک به اصول عملیه نمی‌باشد.

نتیجه گیری

در پژوهش حاضر سعی شد در باره وجوب عمره مفرده، دیدگاه‌های فقهی و تفسیری موافق و مخالف همراه با تحلیل مستندات مطرح و مورد بررسی قرار گیرد همچنین دیدگاه‌های لغوی نیز در معنای واژه «اتَّمُوا» از بین چندین معجم قرآنی بررسی شده و وجه اشتراک آنها ذیل تعاریفی چند بیان گردید. به‌طور خلاصه این واژه در برخی به معنای «کامل کردن» و در برخی به معنای «صحت عمل» آمده است که این صحت عمل در مورد عمره با مال حلال در هزینه سفر حج، انجام تمام اعمال و اجتناب از محرمات حاصل می‌شود. همچنین «اتَّمُوا» در نظر برخی از واژه نگاران به معنای قیام «برپا داشتن»؛ کامل و تکمیل شدن، ذکر شده است. از مجموع دیدگاه‌های لغت شناسان در معنای این واژه چنین برمی‌آید که «قیام» به معنای برپا داشتن، مفهومی است که وجه اشتراک اکثر دیدگاه‌ها است و در واقع همه معانی گفته شده برای این لغت را دربر می‌گیرد؛ چرا که تا عملی به‌طور کامل با اجزاء و شرائط مقرر ادا و در مورد بحث علاوه بر انجام، از محرمات احرام اجتناب نشود، صحیح نبوده و در واقع برپا داشته نشده است. بر این اساس نظر رایج دیگر که «اتَّمُوا» را در این آیه به معنای تمام کردن عملی دانسته که فرد آن را شروع کرده است و بر این اساس حکم فقهی استحباب عمره مفرده را هم از آن نتیجه گرفته، چندان دقیق به نظر نمی‌رسد. بر اساس بررسیهای انجام گرفته نظر برگزیده با توجه به تحلیل دیدگاه‌های فقهی، تفسیری و همچنین دیدگاه واژه نگاران به عنوان کارشناسان ادبیات و فرهنگ عرب، آن است که بر اساس ظهور آیه ۹۷ سوره آل عمران و به ویژه آیه ۱۹۶ سوره بقره، که خداوند خطاب به کسانی که برای عمل حج یا عمره مستطیع هستند امر فرموده که آن را برپا دارند و نیز روایات صحیحی که مورد تحلیل قرار گرفت عمره مفرده با تحقق شرائط، واجب و یا لا اقل چنان که برخی از فقهای عظام فرموده‌اند از باب احتیاط واجب، تکلیفی الزامی بر عهده مکلفان واجد شرائط می‌باشد.

منابع

قرآن کریم. (ترجمه آیت الله مکارم شیرازی).

۱. آل فقیه، ناجی طالب، (بی تا) دروس فی علم الاصول، الحلقة الرابع، بی جا.

۲. ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد حلّی، (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران، دوم.
۳. ابن براج، قاضی، عبد العزیز طرابلسی، (۱۴۰۶ق) المذهب، دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران، اول.
۴. ابن حمزه، محمد بن علی بن حمزه طوسی، (۱۴۰۸ق) الوسيلة إلى نيل الفضيلة، انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی، قم - ایران.
۵. ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق). المحکم و المحيط الأعظم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۶. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، بیروت - لبنان، سوم.
۷. اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران، اول.
۸. ازهری، محمد بن احمد، (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۹. تبریزی، جواد بن علی، (۱۴۱۵ق)، مناسک الحج (للتبریزی)، دار الصدیقة الشهيدة سلام الله علیها، قم - ایران، اول.
۱۰. حکیم، سید محسن طباطبائی، (۱۴۱۶ق)، دلیل الناسک - تعلیقة وجیزة علی مناسک الحج (للنائینی)، مدرسه دار الحکمه، نجف اشرف - عراق.
۱۱. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۲ق) منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مجمع البحوث الإسلامية، مشهد - ایران.
۱۲. حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران.
۱۳. حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، (۱۴۱۲ق)، نکت النهایة، دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران، اول.
۱۴. حلّی، محقق، جعفر بن حسن، (۱۳۶۸ش)، شرایع الاسلام، بی جا، اعلمی.
۱۵. حمیری، نشوان بن سعید، (۱۴۲۰ق)، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، دمشق، دار الفکر.
۱۶. حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ق)، تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان.
۱۷. خامنه‌ای، سید علی بن جواد حسینی، (۱۴۲۶ق)، مناسک الحج، نشر مشعر، قم - ایران، اول.
۱۸. خمینی، سید روح الله موسوی، (بی تا)، تحریر الوسيلة، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم - ایران.
۱۹. خمینی، سید روح الله، (۱۳۹۳)، مناسک حج، مطابق با فتاوی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی قدس سره، با حواشی مراجع معظم تقلید و استفتائات، تهران - ایران.
۲۰. خویی، سید ابو القاسم موسوی، (۱۴۱۶ق)، معتمد العروة الوثقی، منشورات مدرسة دار العلم - لطفی، قم - ایران، دوم.

۲۱. خویی، سید ابو القاسم موسوی، (۱۴۱۱ق)، مناسک الحج، چاپخانه مهر، قم - ایران، یازدهم.
۲۲. خویی، سید ابو القاسم موسوی، (۱۴۱۸ ق)، موسوعة الإمام الخوئي، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي ره، قم - ایران، اول.
۲۳. رحمانی، محمد، (۱۳۷۶ش)، «نگاهی دوباره در حکم عمره»، نشریه میقات حج، ش ۲۶، صص ۴۳ تا ۶۰.
۲۴. رحمانی، محمد، (۱۳۷۶ش)، «نگاهی به وجوب عمره همراه با حج افراد و قرآن و ...»، نشریه میقات حج، ش ۲۲، صص ۴۹ تا ۶۴.
۲۵. سبزواری، سید عبد الاعلی، (۱۴۱۴ق)، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، مکتبه آیت الله العظمی سبزواری، قم.
۲۶. سند، محمد، (۱۴۲۶ق)، سند العروة الوثقی، بیروت، لبنان، مؤسسة ام القرى للتحقیق و النشر.
۲۷. سیدمرتضی، علم الهدی علی بن حسین، (۱۴۰۵ق)، رسائل الشریف المرتضی (جمل العلم و العمل)، دار القرآن الکریم.
۲۸. سیستانی، سیدمحمد رضا، (۱۴۳۷ق)، بحوث فی شرح مناسک الحج، بیروت، دار المورخ العربی.
۲۹. صابونی، محمد علی، (۱۴۲۱ق)، صفوه التفاسیر، بیروت، دار الفکر.
۳۰. صددی، علی فاضل، (۱۴۳۸ق)، العمرة المفردة للآفاقي... وجوبها و عدمه، نشریه میقات حج، ش ۴۷، صص ۱۷ تا ۳۰.
۳۱. صدر، محمد باقر، (۱۴۱۷) بحوث فی علم الأصول (عبد الحاتر)، الدار الإسلامیة، بیروت-لبنان.
۳۲. صنعانی، عبد الرزاق بن همام، (۱۴۱۱ق)، تفسیر القرآن العزیز المسمى تفسیر عبد الرزاق، بیروت، دار المعرفة.
۳۳. طباطبائی محمد حسین، (۱۳۵۲)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۴. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۱۹ق)، العروة الوثقی (المحشى)، ۵ جلد، دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران، اول.
۳۵. طبرسی، امین الاسلام فضل بن حسن، (۱۴۰۸ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت-لبنان.
۳۶. طریحی، فخر الدین، (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرين، کتابفروشی مرتضوی، تهران - ایران، سوم.
۳۷. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۳۷۵ق)، الاقتصاد الهادي إلى طريق الرشاد (للشيخ الطوسي)، انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون، تهران - ایران، اول.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، الخلاف، دفتر انتشارات اسلامی، قم - ایران، اول.
۳۹. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الإمامیة، المکتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران - ایران، سوم.
۴۰. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، دار الکتب الإسلامیة، تهران - ایران، چهارم.
۴۱. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۲. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰ق)، التفسیر (تفسیر العیاشی)، محقق: هاشم رسولی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.

۴۳. فیاض، محمد اسحاق فیاض، (۱۴۱۸ق)، مناسك الحج (للفیاض)، انتشارات عزیزى، قم - ایران، اول.
۴۴. فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، مصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم، موسسه دار الهجرة.
۴۵. مقدادی، محمد علی، (۱۳۸۶ش)، عمره مفردة یا مبتوله، نشریه میقات حج، ش ۶۱، ص ۴۸ تا ۵۶.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۷. نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ق) جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، هفتم.
۴۸. واسطی، زبیدی، محب الدین سید محمد مرتضی، (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت - لبنان، اول.